

UlumhadithTwenty-sixth No 4
Winter (Des-Mar 2021)**فصلنامه علمی علوم حدیث**سال بیست و ششم شماره ۴ (پیاپی ۱۰۲)
زمستان، ص ۱۶۱ - ۱۸۴**نگاهی بر عنوان «سلیمان بن جعفر» در منابع کهن رجالی، روایی و تاریخی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵

معصومه طاهریان قادی^۱سید محسن موسوی^۲**چکیده**

در بررسی‌های سندی، عناوین متعدد یک راوی و اشتراک یک اسم بر مصادیق مختلف، از موانع شناسایی هویت راویان است. هدف از این پژوهش شناخت عنوان سلیمان بن جعفر است. این اسم با القاب مختلف در اسناد روایات ذکر شده است. آن‌جا که تنها عنوان سلیمان بن جعفر الجعفری در کتب رجالی متقدم موجود بوده و مورد توثیق قرار گرفته است، اتحاد سایر عناوین با این عنوان، موجب توثیق آن‌ها می‌گردد. طبق بررسی‌های انجام شده در این جستار، القاب الجعفی، الجوهری، الحمیری با سلیمان بن جعفر الجعفری مشترک است. الجعفری مطلق نیز زمانی که راوی از امام رضا علیه السلام باشد، با این راوی متحد است. سلیمان بن جعفر المروزی نیز مصحّف از سلیمان بن حفص المروزی است. بنابراین سلیمان بن جعفر مطلق مشترک بین البصری و الجعفری خواهد بود. اما به نظر می‌رسد وقتی سلیمان بن جعفر بدون قرینه ذکر شود، منصرف بر الجعفری است.

کلیدواژه‌ها: سلیمان بن جعفر، تمییز مشترکات، توحید مختلفات، دانش رجال.

طرح مسئله

روایات به عنوان یکی از مصادر احکام و تعالیم دینی، از اهمیت فراوانی برخوردار است. به دلیل ظنی الصدور بودن روایات، اعتبارسنجی آن‌ها ضرورت می‌یابد. یکی از معیارهای

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث از دانشگاه مازندران (masom.ghadi@yahoo.com).

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران (m.musavi@umz.ac.ir).

سنجش روایات، بررسی‌های سندی است. اولین مرحله در شناخت کیفیت سند، شناخت راویان موجود در سند است. وجود عناوین مشترک برای راوی، بررسی‌های سندی روایت را با مشکلاتی همراه می‌کند، به ویژه در مواردی که روایت مشترک، از نظر وثاقت و ضعف یکسان نباشند و در یک طبقه یا طبقات نزدیک به هم قرار داشته باشند. همچنین، وجود عناوین مختلف از یک راوی، سبب ناشناس فرض کردن برخی عناوین می‌گردد که این عامل نیز روایت را به عارضه ضعف سند دچار می‌کند. از این رو، تمییز مشترکات و توحید اختلافات، به عنوان اولین مرحله در شناخت روایت و سند، اهمیت می‌یابد.

یکی از عناوین مشترک در روایات، عنوان سلیمان بن جعفر است. این عنوان، در روایات، با عناوین سلیمان بن جعفر، سلیمان بن جعفر لیس بالجعفری، سلیمان الجعفری، الجعفری، سلیمان بن جعفر بن ابی جعفر المنصور، سلیمان بن جعفر الجعفری، همچنین با القاب البصری، الهاشمی، المرزوی، الحمیری، الجوهری، الجعفی، النخعی، النهدی، الهمدانی آمده است.

با مراجعه به کتب رجالی متقدم، دانسته می‌گردد که تنها عنوان سلیمان بن جعفر الجعفری مذکور و مورد توثیق است. تعداد روایات موجود از این فرد در کتب روایی ما بیش از ۱۸۰ روایت است که در بیش از نیمی از آن‌ها عنوان راوی به صورت مشابه یا مختصر ذکر گردیده است و انطباق آن را با عنوان مذکور در کتب رجالی با مشکل روبه‌رو می‌کند و همین عامل، سبب مجهول ماندن راوی و ضعف سند می‌گردد. شناخت این راوی و عناوین مشترک و مختلف با آن، در علم رجال، ثمراتی خواهد داشت و یاری‌گر شناخت این عنوان در تعداد قابل توجهی از اسناد روایات خواهد بود.

رجالیان متأخر به طرح مباحثی درباره امکان اتحاد عناوین سلیمان بن جعفر المرزوی، سلیمان المرزوی و سلیمان بن حفص المرزوی پرداخته‌اند؛ برای نمونه، خوبی در معجم الرجال،^۱ حاجی نوری در خاتمة مستدرک الوسائل،^۲ وحید بهبهانی در تعلیقة منهج المقال،^۳ بروجردی در طرائف المقال،^۴ نمازی در مستدرکات علم رجال الحدیث،^۵ کلباسی در الرسائل

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۲۵۰.

۲. خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۲۴.

۳. تعلیقة منهج المقال، ص ۱۹۲.

۴. طرائف المقال، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۰.

۵. مستدرکات علم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۴۶-۱۴۷.

الرجالیه^۱ به طرح ادله در پذیرش اتحاد یا نقد بر آن پرداخته‌اند. در تمییز عنوان مشترک الجعفری نیز دلایلی توسط برخی رجالیان، مانند علامه مجلسی در بحار الأنوار،^۲ خوبی در معجم رجال الحدیث،^۳ کنی در توضیح المقال^۴ طرح شده است. علاوه بر آن، خوبی و کرباسی در اتحاد سلیمان بن جعفر الجعفری و سلیمان بن جعفر الهاشمی به طرح مباحثی مختصر پرداخته‌اند.^۵

اگرچه در آثار فوق به زوایایی از بحث پرداخته شده است، اما اختلاف نظر در آن‌ها فراوان است. از سوی دیگر، از عناوین بسیاری نیز غفلت شده است. همچنین مباحث طرح شده در معجم رجال الحدیث خوبی، با وجود جامعیت عناوین،^۶ به خوبی تبیین نشده‌اند و در بسیاری از تمییزهای صورت گرفته نیز نقدهایی وارد است. از این رو، برای رفع خلأهای موجود، پژوهشی جامع درباره این عناوین نیاز است تا علاوه بر بازتاب نظرات پیشین، با جمع‌آوری ادله جدید، به جمع‌بندی کاملی برسد.

از این رو، این پژوهش بر آن است که به معرفی سلیمان بن جعفر الجعفری پرداخته و عناوین مشابهی را که بر این راوی صدق می‌کند، با قرائن روایی و تاریخی اثبات کند. برای این منظور، ابتدا با استفاده از قرائنی مانند طبقه راوی، راوی و مروی عنه و روایت در مصادر دیگر و اسناد مشابه، وحدت عناوین را تبیین کند و در انتها در سایر عناوین مشترک به شناسایی شخصیت آن راوی بپردازد.

۱. سلیمان بن جعفر در کتب رجالی متقدم

شیخ طوسی سلیمان بن جعفر را توثیق کرده^۷ و وی را صاحب کتاب خوانده است.^۸ کشی نسب وی را به جعفر طیار می‌رساند^۹ و مکاتباتش را با امام رضا علیه السلام نقل

۱. الرسائل الرجالیه، ج ۴، ص ۲۹۷-۲۹۹.

۲. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۵۷.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۲۹۸-۲۹۹.

۴. توضیح المقال، ص ۱۲۹.

۵. اکلیل المنهج، ص ۲۸۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۲۵۰-۲۵۱.

۶. همان، ج ۹، ص ۲۴۶-۲۵۱.

۷. رجال الطوسی، ص ۳۳۸، ۳۵۸.

۸. فهرست الطوسی، ص ۲۲۲.

۹. رجال الکشی، ص ۴۷۴.

می‌کند.^۱ نجاشی نیز سلیمان بن جعفر بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبد الله بن جعفر الطیار أبو محمد الطالبی الجعفری را از روات امام رضا علیه السلام معرفی می‌کند و کتاب فضل الدعاء را برای وی ذکر می‌کند. او پدرش را نیز از روات امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام می‌خواند و هر دو را توثیق می‌کند.^۲

عنوان سلیمان بن جعفر الجعفری، با عنوان ذکر شده توسط نجاشی، متحد است؛ زیرا هر دو عنوان در نام و نام پدر و لقب یکسان‌اند و نسب‌های هر دو عنوان نیز به جعفر طیار می‌رسد. باید، بر خلاف قول نجاشی، وی را از اصحاب امام کاظم علیه السلام نیز دانست؛ زیرا کشتی روایتی از مصاحبت مستقیم وی با عبد الصالح علیه السلام نقل کرده است. قرینه دیگر بر این امر نیز تصریح برقی و شیخ طوسی در کتاب‌های رجالی خودشان است.^۳

برخی وی را از اصحاب امام هادی علیه السلام نیز بر شمرده‌اند،^۴ مستند آن‌ها سندی است که در آن سلیمان بن جعفر از ابوالحسن العسکری علیه السلام نقل کرده است.^۵ به نظر می‌رسد نساخ برای تبیین مقصود از ابوالحسن، به اشتباه افتاده‌اند و با برداشت ناصحیح خود، «العسکری» را به سند افزوده‌اند؛ زیرا امام، در این روایت، از مصاحبت خود با ابن ابی حفصه یاد می‌کند، اما منابع تاریخی وفات ابن ابی حفصه مروان بن سلیمان بن یحیی شاعر را قبل از تولد امام هادی علیه السلام (متولد ۲۱۳ق) در سال ۱۸۲ق ثبت کرده‌اند.^۶ بنابراین، در این روایت، ابوالحسن علیه السلام مشترک بین امام رضا علیه السلام (۱۴۸-۲۰۳ق) و امام کاظم علیه السلام (۱۲۸-۱۸۳ق) خواهد بود.

نجاشی در ترجمه خلف بن عیسی، کتابی را به خلف نسبت می‌دهد که وی با واسطه سلیمان بن جعفر الجعفری، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.^۷ از این نقل، این‌گونه برداشت می‌گردد که سلیمان از روات امام صادق علیه السلام نیز بوده است؛ در حالی که در سایر کتب رجالی بر این مطلب تصریح نشده است. خوبی بر این نظر است که با توجه به تناقض

۱. همان، ص ۵۵۳.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۸۲.

۳. رجال البرقی، ص ۵۲، ۵۳؛ رجال الطوسی، ص ۳۳۸، ۳۵۸.

۴. مستدرک علم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۲۵.

۵. النصوص المختاره، ص ۹۶.

۶. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۴۲-۱۴۵.

۷. رجال النجاشی، ص ۱۵۲.

این سخن با آنچه در ذیل ترجمه سلیمان بن جعفر، از نجاشی آمده است، این اطمینان حاصل می‌گردد که در طریق «له کتاب یرویه عن سلیمان بن جعفر الجعفری، عن ابي عبدالله علیه السلام» کلمه «عن ابيه»، قبل از نام ابي عبدالله علیه السلام، ساقط شده است. عدم نقل مستقیم سلیمان بن جعفر الجعفری از ابي عبدالله علیه السلام در منابع روایی، شاهدهی بر صحت این احتمال است. در کتب روایی تنها تعداد اندکی روایات از سلیمان بن جعفر - مطلق - عن ابي عبدالله علیه السلام موجود است^۱ که شیخ صدوق، بعد از نقل این روایات، تصریح می‌کند:

«سلیمان بن جعفر و لیس بالجعفری».^۲

این خود شاهدهی بر عدم اتحاد آن با سلیمان بن جعفر الجعفری است.^۳ در برخی از نسخه‌های رجال الطوسی، سلیمان بن جعفر البصری در شمار اصحاب امام صادق علیه السلام یاد شده است.^۴ این عنوان در سایر کتب رجال متقدم، ذکر نشده و در نسخه‌های معتبر خطی رجال شیخ نیز نیامده است. از این رو، احتمال می‌رود، این عنوان ناشی از اضافات برخی از نسخه‌ها باشد. اما این مطلب قرینه‌ای خواهد بود بر تمایز این دو عنوان و اختلاف طبقه سلیمان بن جعفر البصری با الجعفری. سایر عناوین مشابه با سلیمان بن جعفر در کتب رجالی متقدم ذکر نشده‌اند.

۲. توحید مختلفات در عناوین مختلف سلیمان بن جعفر

یک راوی ممکن است با عناوین مختلف در اسناد روایات ذکر گردد که تصحیف یکی از دلایل بروز آن است. تصحیف در نقل‌های مکتوب به دلایلی مانند شباهت نوشتاری حروف، خط بد در برخی نسخه‌ها، کیفیت نامرغوب ابزارهای نوشتاری، خطای دید حاصل می‌گردد. در نقل‌های شفاهی نیز به دلایلی مانند هم‌مخرج بودن حروف، خطای شنیداری، تأثیرات محیطی در زمان تحمل حدیث ایجاد می‌گردد.

دلیل دیگر وجود عناوین مختلف از یک راوی، بر پایه شناخت یک راوی بر چند اسم است. به عبارتی، فرد در مناطق مختلف با اسامی متفاوتی شناخته می‌شد. این تفاوت‌ها

۱. الکافی، ج ۷، ص ۴؛ تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۱۷۴.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸۷.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۷۲-۷۳.

۴. رجال الطوسی، ص ۲۱۶.

بیشتر بر پایه وجود چند لقب و کنیه برای یک فرد بوده است؛ القابی که می‌توانست برگرفته از شغل، نسب، موالی، شهر، نام جد یا فرد مشهوری در اجداد باشد و این امر در عرب معمول بوده است. هریک از این دلایل، در عناوین مختلف سلیمان بن جعفر با ذکر قراین بیان خواهد شد:

۱-۲. القاب مصحّف

در روایات اندکی، نام سلیمان بن جعفر با القاب النخعی، الهذلی، الهمدانی، الحمیری، النهدی، الجوهری و الجعفی آمده است. به دلیل عدم ذکر این عناوین در کتب رجالی و سایر اسناد روایی، احتمال تصحیف در آن زیاد است. به عبارتی، این القاب مصحّف از الجعفری یا لقب دیگری است. در ذیل نام هریک از عناوین، شواهدی در تأیید این مطلب طرح می‌گردد:

۱-۲-۱. سلیمان بن جعفر النهدی / الهذلی / الهمدانی

روایتی از سلیمان بن جعفر النهدی از امام صادق علیه السلام در تفسیر العیاشی نقل شده است.^۱ همین روایت در البرهان با لقب الهمدانی^۲ ذکر گردیده است. در بحار الأنوار نیز، به نقل از عیاشی، لقب الهذلی آمده است.^۳ نقل مجلسی می‌تواند بیان‌گر وجود اختلاف نسخه در کتاب عیاشی یا تصحیف در کتاب بحار الأنوار باشد. هر دو احتمال محتمل است؛ زیرا اعتماد بر نقل علامه بیشتر از اعتماد بر نسخه‌های موجود از کتب متقدم است؛ به دلیل آن‌که نسخه‌های معتبر و فراوان‌تری از کتب متقدم در اختیار علامه بوده است. از طرفی، احتمال تصحیف در نسخه بحار الأنوار نیز بعید نیست؛ زیرا این روایت در منابع دیگر قرن دوازدهم، یعنی نورالثقلین و کنز الدقائق،^۴ با عنوان مطابق با تفسیر العیاشی موجود ذکر شده است. القاب فوق، از نظر شباهت ظاهری، قابل تبدیل و تحریف به یکدیگر هستند. شاهد این تحریف، وجود اختلاف نسخه و اختلاف در اسناد مشابه این روایت است که ذکر گردید. از طرفی، چون هیچ‌یک از عناوین فوق، غیر از این روایت، در کتب رجالی و روایی ذکر نشده است، دلالت می‌کند بر این‌که تمامی این سه عنوان، مشعر بر فردی است که راوی از امام

۱. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲. البرهان، ج ۳، ص ۶۱۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۲۴۸.

۴. تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۲۴۴؛ کنز الدقائق، ج ۸، ص ۳۸.

صادق علیه السلام بوده است. بنابراین، او فردی غیر از سلیمان بن جعفر الجعفری است که راوی امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام است. بعد از بحث‌های تمییز مشترکات این سه عنوان داخل در یکی از عناوین مشترک خواهد شد.

۲-۱-۲. سلیمان بن جعفر الجعفری

روایتی در المحاسن با سند «سلیمان بن جعفر الجعفری، عن رجل عن أبي عبد الله علیه السلام»^۱ موجود است؛ اما طبق سایر منابع متقدم، در این سند تصحیفی رخ داده است. طبق نقل مجلسی و شیخ حر عاملی، اصل آن «سلیمان الجعفری» بوده که به «سلیمان بن جعفر الجعفری» تصحیف شده است^۲ یا این که طبق سند این روایت در الکافی - که آن نیز منقول از المحاسن است - اصل آن سلیمان بن جعفر الجعفری بوده است.^۳ همچنین ساختار و شباهت ظاهری هر دو عنوان، با سلیمان بن جعفر الجعفری، این احتمال را تقویت می‌کند که به دلیل خطای دید در هنگام نقل مکتوب، تصحیف رخ داده و الجعفری به الجعفری بدل شده است. فقدان این عنوان، در سایر روایات و منابع رجالی قرینه دیگری بر تأیید این احتمال است. وجود واسطه بین این راوی با امام صادق علیه السلام نیز وی را در طبقه یکسان با سلیمان بن جعفر الجعفری قرار می‌دهد. بنابراین، اتحاد طبقه نیز دلیل دیگری بر اتحاد دو راوی است.

۳-۱-۲. سلیمان بن جعفر النخعی

یک روایت به صورت مشترک در دو اثر شیخ صدوق با سند «إسماعیل بن مهران، عن سيف بن عميرة، عن سليمان بن جعفر النخعی، عن محمد بن مسلم وغيره، عن أبي جعفر محمد بن علي الباقر علیه السلام» آمده است^۴ همین روایت را کلینی با سند تحویلی نقل می‌کند که شامل دو سند می‌شود. در انتهای یکی از این اسناد، «سيف بن عميرة، عن سليمان بن عمرو النخعی، عن ذكره، عن أبي جعفر علیه السلام»^۵ قرار دارد. با مقایسه نقل کلینی و صدوق، دانسته می‌شود که سند صدوق و سند اول کلینی مشابه

۱. المحاسن، ج ۱، ص ۲۳۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۴۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۵۱.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۷؛ مرآة العقول، ج ۱، ص ۱۲۳.

۴. الامالی (صدوق)، ص ۱۰؛ الخصال، ج ۱، ص ۳۱۷.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۲۴۰.

است؛ با این تفاوت که کلینی به جای عنوان «سلیمان بن جعفر النخعی»، از «سلیمان بن عمرو النخعی» استفاده کرده و به جای نام «محمد بن مسلم و غیره»، از عنوان مبهم «عمن ذکره» استفاده کرده است. با قبول این مطلب که کلینی ضابط‌تراز سایر مؤلفان کتب اربعه است، باید نقل صدوق را مصحّف دانست. البته قراین دیگری نیز در تأیید این احتمال وجود دارد: اسماعیل بن مهران در سایر روایات، نقل مستقیم از سلیمان الجعفری دارد؛^۱ در حالی که در این جا با واسطه از سلیمان نقل می‌کند. همچنین غیر از این روایت، در هیچ روایتی سیف بن عمیره از سلیمان بن جعفر نقل نکرده و سلیمان بن جعفر نیز از محمد بن مسلم روایت نکرده است. بنابراین، احتمال تصحیف در نقل صدوق بیشتر است.

۲-۱-۴. سلیمان بن جعفر الجوهری

در مجموعه آثار روایی، نام سلیمان بن جعفر الجوهری تنها در یک سند موجود در المحاسن آمده است.^۲ گویا نسخه‌ای از المحاسن که به دست ما رسیده، دقیق نبوده و در آن تصحیفاتی رخ داده است؛ زیرا این روایت با همین سند در بحار الأنوار و وسائل الشیعه از المحاسن نقل شده،^۳ اما در آن جا به جای لقب «الجوهری» از «الجعفری» استفاده شده است. از نظر قواعد نوشتاری نیز به دلیل شباهت حرف اول و حروف آخر این دو عنوان، تصحیف منطقی به نظر می‌رسد و دور از ذهن نیست. از طرفی فقدان عنوان سلیمان بن جعفر الجوهری در کتب رجالی و سایر منابع روایی، تأییدی برای تصحیف می‌تواند باشد.

۲-۱-۵. سلیمان بن جعفر الحمیری

در سه روایت نام سلیمان بن جعفر الحمیری آمده است. شواهدی وجود دارد که در تمامی آن‌ها «الحمیری» مصحّف از «الجعفری» است:

روایت اول. در کتاب عیون اخبار الرضا^۴ سلیمان بن جعفر الحمیری از ابی الحسن الرضا^۵ روایتی را نقل کرده است. صدوق همین روایت را با سند مشابه در کتاب التوحید ذکر کرده و تنها به جای الحمیری، الجعفری آورده است.^۵ همچنین در بحار الأنوار به نقل از

۱. همان، ج ۵، ص ۳۲۴.

۲. المحاسن، ج ۲، ص ۵۴۹.

۳. رک: وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۱۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۷۰.

۴. عیون اخبار الرضا^۶، ج ۱، ص ۱۴۴.

۵. التوحید، ج ۱، ص ۳۶۱.

این دو منبع^۱ و در مختصر البصائر این روایت با سند التوحید نقل شده است.^۲ این قراین گویای این مطلب است که تصحیف نساخ، سبب ورود این نام در سند روایت عیون اخبارالرضا^{علیه السلام} شده است.

روایت دوم. صدوق روایت دیگری را با سند «أحمد بن هلال، عن سعید بن سلیمان، عن سلیمان بن جعفر الحمیری قال: سألت الرضا^{علیه السلام} نقل کرده است.^۳ این روایت در کتاب علل الشرایع با اختلافاتی در سند آمده است. در آن جا دو عنوان سعید بن سلیمان و سلیمان بن جعفر الحمیری در هم ادغام شده و به صورت سعید بن سلیمان بن جعفر الجعفری بدل شده است. این اختلاف ها بیانگر تصحیف ایجاد شده توسط نساخ در سند موجود در هر دو کتاب است. نقل مجلسی در بحار الأنوار، تأییدی بر این مطلب است. وی این روایت را از این دو مصدر، با سند سعید بن جناح، عن سلیمان بن جعفر الجعفری نقل می کند. از شواهد دیگر بر صحت نقل مجلسی می توان به نقل این روایت در منابع دیگر با تصریح بر لقب الجعفری^۴ و همچنین سندی در کمال الدین^۵ یاد کرد.

اسناد دیگری وجود دارد که نشان می دهد سعید بن جناح، راوی از سلیمان بن جعفر الجعفری^۶ و مروی عنه از احمد بن هلال عبرتایی^۷ است. بنابراین، باید گفت که اصل این سند، قبل از تصحیف، «سعید بن جناح، عن سلیمان بن جعفر الجعفری» بوده است. بنابراین، الحمیری مصحف از الجعفری است.

روایت سوم. در کتاب منهج الدعوات، در سندی از محمد بن الحسن الصفار، از سلیمان بن جعفر الحمیری، از امام رضا^{علیه السلام} روایتی نقل شده است.^۸ این روایت به نقل از همین مصدر در منابع متأخر از الجعفری نقل شده است.^۹ مجلسی تصریح می کند که این روایت را از کتاب فضل الدعا صفار گرفته اند.^{۱۰} از طرفی، نجاشی نیز به سلیمان بن جعفر الجعفری کتاب فضل

۱. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۶.

۲. التوحید، ص ۳۵۱.

۳. عیون اخبار الرضا^{علیه السلام}، ج ۱، ص ۱۴۴.

۴. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۸۹؛ اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۱، ص ۱۲۷، ۱۳۳ و ۱۵۸.

۵. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۴.

۶. رک: ثواب الاعمال، ج ۱، ص ۳۹.

۷. رک: کمال الدین، ج ۱، ص ۲۰۴.

۸. منهج الدعوات، ص ۳۱۶.

۹. مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۸۹؛ بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۶۲.

۱۰. بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۲۳.

الدعا را نسبت می دهد^۱ که گویا سلیمان این روایت را از کتاب صفار وارد کتاب خود کرده است. بنابراین، تطابق محتوایی این روایت با تألیف سلیمان بن جعفر الجعفری، قرینه‌ای دیگر خواهد بود بر این که این روایت از کتاب وی اخذ شده و الحمیری، تصحیف شده از الجعفری است.

۲-۲. القاب مختلف

القاب مختلف برای برخی راویان و یا اختصار در عنوان و اکتفا بر لقب، اسم یا کنیه راوی، گاهی سبب ناشناس ماندن راوی یا اشتراک راویان می‌گردد. به نظر می‌رسد برای سلیمان بن جعفر الجعفری، سلیمان الجعفری و الجعفری مطلق نیز به کار رفته که تعدادی از آن‌ها در عنوان، با راویان دیگر نیز مشترک است. در ذیل هر عنوان قراین این ادعا طرح می‌گردد و در صورت اشتراک با راوی دیگر، به آن اشاره می‌شود:

۲-۲-۱. الجعفری

عنوان مطلق الجعفری در تعدادی از روایات، ذکر شده است. اگرچه علامه مجلسی با مقایسه سند روایتی در الکافی و نقلی از شیخ مفید، عنوان الجعفری را مشترک بین دو عنوان سلیمان بن جعفر الجعفری و ابوهاشم داود بن سلیمان الجعفری دانسته است،^۲ اما در اسناد افراد دیگری نیز در این عنوان مشترک‌اند که عبارت‌اند از جعفر بن ابراهیم الجعفری، پدر سلیمان که با عنوان مطلق الجعفری یاد شده است. وی از راویان امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام است.^۳ همچنین در تعدادی از روایات، با موضوع طبی و بهداشتی، بر عناوین عبدالله بن ابراهیم الجعفری، عموی سلیمان بن جعفر، و ابراهیم بن الحسن الجعفری تصریح شده است که هر دو ملقب به الجعفری هستند.^۴

در کتاب المحاسن روایات طبی فراوانی با سند «بکر بن صالح، عن الجعفری، عن ابي الحسن علیه السلام» آمده است.^۵ در آثار صدوق نیز، یکی از این روایات با سند فوق نقل شده

۱. رجال النجاشی، ص ۱۸۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۰۰؛ رک: الکافی، ج ۲، ص ۳۷۴؛ نصوص المختارة، ص ۱۱۲. لازم به ذکر است که در نقل شیخ مفید، مروی عنه وی، بکر بن صالح الرازی است، اما در الکافی بکر بن محمد آمده است. نقل شیخ مفید با قرائن روایی سازگاری بیشتری دارد (رک: المحاسن، ج ۱، ص ۲۴۹؛ ج ۲، ص ۴۸۸).

۳. رجال النجاشی، ص ۱۸۳.

۴. با مشاهده روایات مشابه این مطلب تأیید می‌گردد (به ترتیب رک: طب الاثمه، ص ۱۳۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۹۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۰۷؛ المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۵؛ الکافی، ج ۶، ص ۳۵۹).

۵. برای نمونه رک: المحاسن، ج ۲، ص ۵۵۳، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۹۱.

است.^۱ در ابتدا این طور به ذهن می آید که به دلیل مشابهت موضوع، این روایات - که همگی در طب است - الجعفری مطلق را یکی از دو عنوان عبدالله بن ابراهیم یا ابراهیم بن الحسن در نظر گرفت، اما قرینه مشابهت موضوع تام نیست؛ زیرا این دو راوی نقل هایشان از امام صادق علیه السلام است، اما الجعفری - مطلق - از امام رضا علیه السلام نقل می کند و هیچ روایتی از این دو فرد از امام رضا علیه السلام در دست نیست.

از سوی دیگر، روایت گری بکر بن صالح به صورت مشترک از عبدالله بن ابراهیم و سلیمان بن جعفر، ممکن است شاهی بر اتحاد الجعفری در این دو عنوان باشد. باید دانست آیا عبدالله الجعفری امام رضا علیه السلام را درک کرده است؟

اگرچه در الکافی روایتی از عبد الله بن ابراهیم الجعفری از ابا الحسن علیه السلام نقل شده است،^۲ اما به نظر می رسد در این سند دو اسم در یک عنوان خلط شده است؛ زیرا این روایت در برخی منابع با سندی دیگر منقول از الجعفری^۳ و سلیمان الجعفری^۴ از ابی الحسن علیه السلام آمده است.

همچنین در روایتی با سند تحویلی با نام عبدالله الجعفری، دو ماجرا در متن یک روایت نقل شده که یکی وعده امامت امام رضا علیه السلام توسط امام کاظم علیه السلام و دیگری محقق شدن آن وعده در زمان امام رضا علیه السلام است.^۵ این نقل اگرچه در ظاهر امر دلالت بر هم طبقه بودن عبدالله الجعفری با امام رضا علیه السلام دارد، اما این احتمال نیز وجود دارد که قسمتی از ماجرای روایت - که به دوران امام کاظم علیه السلام مربوط است - در نقل عبدالله الجعفری باشد و ادامه ماجرا - که با درک امامت امام رضا علیه السلام است - از دیگر سند تحویلی نقل شده باشد که نام این راوی در آن نیامده است.

با وجود این قرائن، این احتمال تقویت می گردد که عبدالله بن ابراهیم الجعفری امام رضا علیه السلام را درک نکرده یا با وجود هم عصری عبدالله با امام رضا علیه السلام، وی غیر از روایت فوق، هیچ نقل مستقیم و غیر مستقیمی از امام رضا علیه السلام نداشته است.

بنابراین، می توان این گونه نتیجه گرفت: هر جا الجعفری مطلق، از ابی عبدالله علیه السلام نقل

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۹؛ النخصل، ج ۲، ص ۳۹۱.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۵۳۲.

۳. المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۸.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۵۶۹.

۵. همان، ج ۱، ص ۳۱۳-۳۱۴.

بی واسطه داشته باشد، این فرد می تواند عبدالله بن ابراهیم یا ابراهیم بن الحسن یا جعفر بن ابراهیم باشد؛ اما وقتی الجعفری از ابی الحسن علیه السلام نقل کند، این فرد مشترک بین سلیمان بن جعفر و ابوهاشم داود بن سلیمان است. از بین این دو احتمال اخیر، قرآینی وجود دارد که الجعفری در این طبقه را منصرف به سلیمان بن جعفر می کند:

۱. روایتی در الکافی از الجعفری از ابالحسن علیه السلام آمده است که شیخ مفید در الامالی همین روایت را با سند مشابه نقل می کند و به جای الجعفری، نام سلیمان بن جعفر الجعفری را جایگزین می کند.^۱

۲. با وجود تکرار فراوان سند بکر بن صالح، عن الجعفری، عن ابی الحسن علیه السلام برقی در مواردی تفصیلی این سند را با عنوان سلیمان بن جعفر یاد می کند.^۲

۳. با وجود آن که الجعفری در آثار صدوق به صورت مطلق آمده است، اما مجلسی در زمان نقل این روایت از این مصادر، به جای الجعفری، سلیمان الجعفری قرار می دهد^۳ و شیخ حر عاملی نیز تصریح می کند:

الجعفری یعنی سلیمان بن جعفر.^۴

۴. بیشتر روایات بکر بن صالح از سلیمان بن جعفر است.^۵

۵. داود بن القاسم الجعفری به ابوهاشم مشهورتر است تا الجعفری؛ زیرا در اختصار نام ابوهاشم داود بن سلیمان الجعفری از عنوان ابوهاشم الجعفری به دفعات فراوان، حتی بیش از عنوان کامل راوی استفاده شده است.^۶ قرینه ای بر ذکر الجعفری مطلق برای این راوی به دست نیامد. اگرچه تعدادی از رجال شناسان متأخر، الجعفری را سلیمان بن جعفر دانسته اند،^۷ اما با توجه به مجموع قراین فوق، بهتر است این کلام را قید بزینم و بگوییم هر جا الجعفری مطلق از ابی الحسن علیه السلام نقل مستقیم دارد، منظور سلیمان بن جعفر الجعفری است.

۱. الامالی (مفید)، ص ۱۱۲.

۲. المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۱۵؛ ج ۸۶، ص ۳۴۶.

۴. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۶۶.

۵. آمار نرم افزار درایه ۲۵ مورد روایت را نشان می دهد.

۶. برای نمونه رک: الکافی، ج ۱، ص ۲۳، ۹۸؛ ج ۳، ص ۴۴۲؛ من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۴۴؛ التوحید، ج ۱، ص ۶۸.

۱۱۲؛ الامالی (صدوق)، ج ۱، ص ۴۸۷؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۵۵؛ ج ۲، ص ۲۰۳.

۷. توضیح المقال، ص ۱۲۹؛ قاموس الرجال، ج ۱۲، ص ۱۷.

۲-۲-۲. سلیمان الجعفری

الجعفری‌های مطلق، هیچ‌یک در اسم راوی مشترک نبودند، از این رو، وقتی الجعفری دارای نام سلیمان باشد، منحصر در سلیمان بن جعفر الجعفری است.

۳. تمییز مشترکات در عنوان سلیمان بن جعفر

پس از توحید مختلفات در اسامی سلیمان بن جعفر، سایر عناوین داخل در تمییز مشترکات می‌گردند. این عناوین در پنج عنوان قابل طرح‌اند: سلیمان بن جعفر الجعفری، سلیمان بن جعفر البصری، سلیمان بن جعفر الهاشمی، سلیمان بن جعفر المروزی و سلیمان بن جعفر بن ابی جعفر منصور.

۱-۳. سلیمان بن جعفر البصری

در کتب روایی، سلیمان بن جعفر البصری از امام صادق ع نقل مستقیم^۱ و غیر مستقیم دارد.^۲ در مواردی عنوان سلیمان بن حفص البصری ثبت شده است که به غیر از یک مورد، در سایر موارد قرآینی در تصحیف آن وجود دارد: نمونه اول. روایاتی در الکافی با عنوان سلیمان بن حفص البصری آمده است.^۳ این روایات در سایر مصادر با عنوان سلیمان بن جعفر ثبت شده است.^۴ نمونه دوم. روایت مشترکی در الکافی^۵ و الخصال^۶ با عنوان محرف موجود است. همین روایت در مصادر متأخر^۷ به نقل از این دو کتاب، و در کتاب دیگر صدوق^۸ با عنوان سلیمان بن جعفر البصری آمده است. نمونه سوم. روایات دیگری با عنوان محرف در خصال ذکر شده است.^۹ این روایات در

۱. الکافی، ج ۶، ص ۲۸۳؛ الخصال، ج ۱، ص ۱۴۱، ۲۲۶، ۳۰۴؛ ج ۲، ص ۴۳۵، ۵۲۰.

۲. عیون اخبار الرضا ع، ج ۱، ص ۱۰۰؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۸؛ الامالی (صدوق)، ج ۱، ص ۲۴۸.

۳. الکافی، ج ۶، ص ۲۸۳، ۲۸۴.

۴. وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۱۳، ۳۱۷.

۵. الکافی، ج ۶، ص ۲۸۶.

۶. الخصال، ج ۲، ص ۵۲۰.

۷. رک: وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۳۷.

۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۶.

۹. الخصال، ص ۲۲۶، ۳۰۴، ۴۳۵.

مصادر متأخره نقل از صدوق با عنوان سلیمان بن جعفر البصری یا الجعفری آمده است.^۱ لازم به ذکر است از بین روایاتی که عنوان سلیمان بن حفص البصری در سند ذکر شده بود، تنها در یک مورد^۲ شاهی بر محرف بودن عنوان مذکور یافت نگردید.

در کنار این شواهد، مواردی نیز عنوان مطلق سلیمان بن حفص موجود است که در غالب موارد^۳ مقصود المروزی است.^۴ یک مورد از آن، محرف از سلیمان بن جعفر است.^۵ یک مورد نیز، محرف از سلیمان بن جعفر البصری است.^۶ در سه روایت نیز، عنوان مطلق سلیمان بن حفص تمییز داده نشد.^۷

با توجه به این که کثرت قراین در تحریف جعفر به حفص است، نه عکس آن، می توان گفت عنوان اصلی سلیمان بن جعفر البصری است.

روایات سلیمان بن جعفر البصری توسط الیعقوبی،^۸ الحسن بن الحسین الفارسی،^۹ محمد بن خالد برقی^{۱۰} احمد بن عبیدالله الانصاری،^{۱۱} حسین بن الحسن القزوینی و حسین بن الحسن القرشی^{۱۲} روایت شده است. وی خود راوی از امام صادق علیه السلام، عبدالله بن

۱. به ترتیب رک: وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۱۲۸؛ ج ۲۴، ص ۳۱۳؛ بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۹۰؛ ج ۷۹، ص ۷۴؛ ج ۱۰۱، ص ۱۷۶؛ ج ۸، ص ۱۳۲؛ ج ۶۹، ص ۱۹۱؛ ج ۷۲، ص ۳۴۳.

۲. الخصال، ج ۱، ص ۱۴۱.

۳. رک: بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۲۸؛ ج ۴۹، ص ۴؛ ج ۸۳، ص ۱۱۷؛ ج ۹۹، ص ۳۵ و ۳۸.

۴. برای نمونه رک: عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳؛ الامالی (صدوق)، ص ۱۲۰؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۲؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۹۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۵۸.

۵. تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۱۲۴. این عنوان در منابع دیگر با عنوان سلیمان بن جعفر (الجعفری) آمده است (رک: الکافی، ج ۶، ص ۴۲۲، ۴۲۳؛ الاستبصار، ج ۴، ص ۹۵؛ عوالی اللئالی، ج ۲، ص ۱۹).

۶. الکافی، ج ۶، ص ۲۸۵. سند این روایت در آثار دیگر با عنوان سلیمان بن جعفر البصری آمده است (رک: المحاسن، ج ۲، ص ۵۶۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۴۵۵).

۷. رک: مسائل علی بن جعفر علیه السلام، ج ۲۰، ص ۵۴۳؛ الکافی، ج ۶، ص ۲۸۶؛ رجال الکشی، ج ۲، ص ۸۶۸؛ اقبال ابن طاووس، ج ۱، ص ۴۸۶.

۸. الخصال، ج ۱، ص ۳۰۴.

۹. الامالی (صدوق)، ج ۱، ص ۲۴۸؛ الخصال، ج ۱، ص ۲۲۶؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۸.

۱۰. الخصال، ج ۱، ص ۳۰۴.

۱۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۰۰.

۱۲. الامالی (صدوق)، ج ۱، ص ۲۴۸؛ الخصال، ج ۲، ص ۵۲۰.

الحسین بن زید بن علی^۱ و عمر بن واقد^۲ است. تمییز عنوان راوی زمانی که سلیمان بن جعفر در سند به صورت مطلق ذکر شده است، توسط راوی و مروی عنه امکان پذیر است.

اشتراک این راوی با سلیمان بن جعفر الجعفری بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا:

۱. البصری دارای روایات مستقیم از امام صادق علیه السلام است،^۳ در حالی که با عنوان سلیمان بن جعفر الجعفری و عناوین مشترک با آن، هیچ نقل مستقیمی از امام صادق علیه السلام وجود ندارد. البته این اشکال وارد است که وقتی البصری روایات غیرمستقیم از امام صادق علیه السلام دارد این احتمال وجود دارد که در نقل‌های مستقیم این راوی از این امام واسطه‌ای در بین بوده که از سند سقط شده باشد که با وجود قراین دیگر این اشکال قابل توجیه خواهد بود، زیرا اگرچه نقل مستقیم و غیرمستقیم راوی از یک امام مستبعد است، اما به دلیل شرایط خاص راوی امکان وقوع دارد.

۲. راوی و مروی عنه‌های این دو عنوان، تنها در نام الحسن بن ابی الحسن الفارسی مشترک‌اند. همین تفاوت‌ها قرینه دیگری در اختلاف این دو راوی است.

۳. صدوق در یک روایتی که سلیمان بن جعفر به صورت مستقیم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، با قید «لیس بالجعفری»^۴ تصریح می‌کند که او فرد دیگری غیر از الجعفری است. تصریح فردی رجالی مانند صدوق که دارای آثار رجالی متعددی بوده است^۵ اطمینان نسبی بر عدم اتحاد این دو عنوان ایجاد می‌کند.

البته این اشکال قابل طرح است که وقتی شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه، از دو عنوان سلیمان بن جعفر الجعفری و سلیمان بن جعفر البصری روایاتی را نقل کرده است، اما در بیان طرق خود به این روایت در مشیخه، بر عنوان سلیمان بن جعفر الجعفری بسنده کرده است، این امر دلالت بر اتحاد این دو راوی دارد. در جواب باید گفت این استدلال صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا برای تعداد قابل توجهی از روایت در مشیخه صدوق، طریقی ذکر نشده است.^۶

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۶؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۱۸.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۰۰.

۳. الکافی، ج ۶، ص ۲۸۳؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸۷؛ الخصال، ج ۱، ص ۱۴۱، ۳۰۴.

۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۸۷.

۵. رک: رجال النجاشی، ص ۳۹۰-۳۹۴؛ فهرست الطوسی، ص ۴۴۲-۴۴۴.

۶. در بیان تعداد طرقی که در المشیخه یاد نشده، اختلاف است، گفته‌اند شیخ صدوق ۱۲۴ طریق را در المشیخه ذکر نکرده است، طبق آمارهای دیگر، این تعداد بیش از ۱۲۰ طریق و همچنین ۷۱۷ طریق است (بررسی اعتبار احادیث مرسل، ص ۳۶، ۳۹).

در کتب رجال، هیچ وصفی از سلیمان بن جعفر البصری نیامده است. تنها در برخی از نسخ رجال شیخ طوسی، نام وی در ذیل روات امام صادق علیه السلام آمده است، که ذکر آن گذشت. خوبی نیز بر مجهول بودن سلیمان بن جعفر البصری تصریح کرده و او را با سلیمان البصری متحد دانسته است؛^۱ اما با توجه به منابع تاریخی احتمالاتی برای تمیز این عنوان وجود دارد:

در منابع تاریخی از فوت عالمی بصری در سال ۱۷۸ ق با عنوان جعفر بن سلیمان بن الضبعی یاد شده که شیعه و ثقه بوده است، کنیه این فرد را ابو سلیمان گفته‌اند.^۲ با این وجود اگر برای او فرزندی به نام سلیمان بوده باشد، عنوان سلیمان بن جعفر البصری می‌تواند براو صدق کند. در این صورت فرزند این عالم، معاصر با امام صادق علیه السلام تا امام رضا علیه السلام است که از نظر طبقه با راوی مورد نظر ما نیز یکسان خواهد بود. در این صورت با توجه به مذهب پدرش می‌توان او را شیعه دانست. البته یکی از اشکالات اساسی برای احتمال این است که گاهی کنیه‌ها برگرفته از نام فرزند نبوده است^۳ در این صورت فرزندی با نام سلیمان برای ابوسلیمان جعفر البصری مردود خواهد بود.

همچنین در منابع رجالی اهل سنت از فردی دیگر با عنوان سلیمان بن حفص القرشی یاد شده که برخی او را توثیق و برخی مجهول دانسته و او را یعد فی البصریین خوانده‌اند.^۴ با این وجود او از روات بصره بوده است، بنابراین کاربرد لقب البصری برای وی محتمل است. البته قراین محکمی بر تأیید این احتمال یافت نگردید.

در بحث القاب الهدلی/النهدی/الهمدانی ذکر شد که این سه عنوان مصحف‌اند و بر فردی صدق می‌کند که با نام سلیمان بن جعفر از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند. با توجه به آن که از بین عناوین مشترک سلیمان بن جعفر، تنها البصری از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، این احتمال وجود دارد که القاب سه‌گانه فوق محرف از البصری باشد.

۲-۳. سلیمان بن جعفر الهاشمی

برخی قایل به اتحاد سلیمان بن جعفر الهاشمی و سلیمان بن جعفر الجعفری هستند.^۵

۱. معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۲۴۳-۲۴۴، ۲۴۸.

۲. المعرفة و التاريخ، ج ۱، ص ۱۶۹؛ شذرات الذهب، ج ۲، ص ۳۴۸.

۳. رک: مقاله «گونه‌شناسی نام‌های کنیه‌سان برای مطالعه رجال حدیث».

۴. الجرح و التعديل، ج ۴، ص ۱۰۵؛ الثقات، ج ۶، ص ۳۸۵؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۱۹۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۱۵۹؛

لسان المیزان، ج ۷، ص ۲۳۷؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۸۴.

۵. اکلیل، ص ۲۸۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۲۵۰-۲۵۱.

قراینی نیز این احتمال را تقویت می‌کند؛ مانند نقل هر دو این عناوین از امام رضا علیه السلام^۱ که بر هم طبقه بودن آن‌ها دلالت می‌کند. همچنین نسب هر دو که به خاندان بنی هاشم می‌رسد. اما قراین بر عدم اتحاد این دو قوی‌تر است. در کنز الفوائد روایتی ذکر شده^۲ که نشان می‌دهد الهاشمی، برخلاف الجعفری، عصر امام صادق علیه السلام را نیز درک کرده است. علاوه بر آن، در منابع تاریخی و رجالی اهل سنت از فردی با عنوان سلیمان بن جعفر بن سلیمان بن علی العباسی الهاشمی یاد شده است که احتمال اشتراک راوی مذکور با وی وجود دارد.^۳ جد این فرد، سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس الهاشمی عموی سفاح و منصور عباسی بود^۴ که دارای فرزندی به نام جعفر بن سلیمان بن علی بود و در منابع تاریخی از او با عنوان جعفر بن سلیمان الهاشمی نیز یاد شده که در سال ۱۴۶ والی و قاضی قضاة مدینه بوده است.^۵ یکی از فرزندان او سلیمان بن جعفر الهاشمی نام داشت که در ایام هارون الرشید در سال‌های ۱۷۳ و ۱۷۴ والی مکه بود.^۶ سپس در سال‌های ۲۴۸ یا به قولی ۲۵۰ تا ۲۵۵ والی بصره نیز بوده است و در فصاحت و خطیب بودن او نیز اقوالی وجود دارد.^۷ اگرچه در برخی منابع، وفات سلیمان بن جعفر را سال ۱۸۰ ق ذکر کرده‌اند،^۸ اما طبق اسنادی که از ولایت او بر بصره در سال‌های ۲۴۸ به بعد در دست است، این تاریخ برای وفات سلیمان بن جعفر الهاشمی صحیح نیست. علاوه بر این، در منابع دیگر بر زنده بودن او در ایام خلافت امین و مأمون در سال‌های ۱۸۵ و ۱۹۸ ق تصریح شده است.^۹ با این وجود، او فردی معمر بوده و در زمان ولایت خود بر بصره بیش از صد سال داشته و زمان حیات امام کاظم علیه السلام تا زمان غیبت

۱. تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲۱.

۲. کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۸۰.

۳. رک: الاعلام، ج ۳، ص ۱۲۲.

۴. فوات الوفيات، ج ۱، ص ۴۵۵؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۳۹۰.

۵. المعرفة و التاريخ، ج ۱، ص ۱۳۱؛ الجرح و التعديل، ج ۹، ص ۱۸۴؛ تهذیب الکمال، ج ۱۲، ص ۴۵، ج ۳۱، ص ۵۲۴؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۶۴۵.

۶. المعرفة و التاريخ، ج ۱، ص ۱۶۳، ۱۶۵؛ تاریخ الطبری، ج ۸، ص ۳۴۶؛ الکامل، ج ۶، ص ۲۱۴.

۷. وفيات الاعیان، ج ۲، ص ۴۳۳؛ الاعلام، ج ۳، ص ۱۲۲.

۸. المعرفة و التاريخ، ج ۱، ص ۱۷۱. در این منبع از او با عنوان مطلق سلیمان بن جعفر بن سلیمان یاد شده است. از این رو، احتمال می‌رود او فردی غیر از سلیمان بن جعفر بن سلیمان الهاشمی باشد که علاوه بر مکه والی بصره نیز بوده است.

۹. البداية و النهاية، ج ۱۰، ص ۲۲۳؛ شذرات الذهب، ج ۲، ص ۳۸۴.

صغری را نیز درک کرده است.

از این رو، به احتمال زیاد، سلیمان بن جعفر الهاشمی در این اسناد فردی از امرای عباسی است که مقارن با زمان امام رضا علیه السلام و امام صادق علیه السلام بوده و از ایشان روایاتی را نقل کرده است.

۳-۳. سلیمان بن جعفر المروزی

در مشیخه شیخ صدوق، یک طریق به سلیمان بن جعفر الجعفری^۱ و طریقی دیگر به سلیمان بن حفص المروزی^۲ موجود است. چون در مشیخه صدوق، برخلاف شیخ طوسی، تکرار طریق با وجود اتحاد عنوان کم است، می توان گفت که تعدد عنوان در مشیخه من لا یحضره الفقیه، دلالت بر تعدد راوی دارد. از این رو، اتحاد سلیمان بن جعفر الجعفری با سلیمان بن حفص المروزی ساقط است.^۳

از سوی دیگر، دلایلی بر تصحیف عنوان سلیمان بن حفص المروزی به سلیمان بن جعفر المروزی وجود دارد:

۱. در تعدادی از روایاتی که نام سلیمان بن جعفر المروزی آمده است، اختلاف نسخه وجود دارد؛ در برخی از نسخه ها با عنوان سلیمان بن حفص المروزی یاد شده اند.^۴ تعدادی از رجالیان متأخر نیز این اختلاف نسخه را دلیل بر تصحیف دانسته و عنوان صحیح را به قرینه سایر روایات، سلیمان بن حفص المروزی دانسته اند.^۵ البته این نظر مخالفانی نیز داشته است، اما دلایل متقنی را برای نظر خود ارائه نداده اند.^۶

۲. روایتی با این عنوان در کتاب کشف الغمّة به نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام آمده است.^۷ به طور قطع، در این سند تصحیفی رخ داده است؛ زیرا مصدر مورد استفاده صاحب کشف الغمّة موجود است و با مراجعه به این مصدر، مشاهده می شود که عنوان، سلیمان بن حفص المروزی بوده است^۸ و مجلسی نیز در نقل از صدوق این راوی را با عنوان مختصر سلیمان بن

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۸.

۲. همان، ص ۴۵۸.

۳. الرسائل الرجالية، ج ۴، ص ۲۹۷-۲۹۹.

۴. تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۸۷، ۲۱۲؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۵۰، ۸۷.

۵. اکلیل، ص ۲۸۷؛ تعلیقة منهج المقال، ص ۱۹۲-۱۹۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۲۴؛ معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۲۵۰.

۶. رک: تعالیق مبسوطه، ج ۵، ص ۵۹-۶۲.

۷. کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۹۶.

۸. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۳.

حفص یاد می‌کند.^۱

بنابراین، عنوان سلیمان بن جعفر المروزی با سلیمان بن جعفر الجعفری متحد نیست، بلکه عنوان اول، مصحّف از سلیمان بن حفص الجعفری^۲ است که از وی ۳۴ روایت در کتب اربعه و تعدادی روایت در غیرکتب اربعه نقل شده است. وی دارای نقل مستقیم از امام رضا علیه السلام و امام کاظم علیه السلام است.^۳

۳-۴. سلیمان بن جعفر بن ابی جعفر المنصور

در متن یکی از روایات، از فردی به نام سلیمان بن ابی جعفر الجعفری یاد می‌شود که بعد از شهادت امام کاظم علیه السلام از بی‌احترامی بر پیکر مطهر امام علیه السلام جلوگیری و دستور تشییع و تدفین با احترام وی را صادر کرد و بعدها هارون الرشید از وی با لفظ عموقدردانی کرد.^۴ کمال‌الدین و بحار الأنوار به نقل از این دو مصدر، از این فرد با نام سلیمان بن ابی جعفر، بدون قید الجعفری یاد کرده‌اند.^۵ در منابع دیگر نیز از او به سلیمان بن ابی جعفر المنصور یاد کرده‌اند.^۶ با مقایسه این نقلیات و منابع تاریخی دانسته می‌شود که قید الجعفری برای این فرد ناصحیح است؛ اگرچه در روایات و منابع تاریخی او را عموی هارون خوانده‌اند؛^۷ اما با توجه به نام پدر و جد وی، او باید پسر عموی هارون و نوه منصور باشد. فردی که از زمان مهدی عباسی، پدر هارون، تا مأمون جایگاه ویژه‌ای در دستگاه خلافت داشته^۸ و در سال ۱۹۹ق وفات یافته است.^۹ بنابراین، او فردی غیر از سلیمان بن جعفر الجعفری است.

۱. بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۴.

۲. فردی با عنوان سلیمان المروزی نیز در روایات مناظره با امام رضا علیه السلام ذکر شده است (رک: عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۷۹-۱۹۱). گفته‌اند او همان سلیمان بن حفص المروزی یا یکی از بزرگان عامه است (رک: تعلیقه منهج المقال،

ص ۱۹۲؛ طرائف المقال، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۰؛ مستدرک علم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۴۷).

۳. برای نمونه، رک: الامالی (صدوق)، ج ۱، ص ۱۰۵؛ معانی الاخبار، ج ۱، ص ۲۴۹.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۰۰.

۵. کمال‌الدین، ج ۱، ص ۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۲۷.

۶. اعلام الوری، ص ۳۱۱؛ المناقب، ج ۳، ص ۴۴۱.

۷. البداية و النهایه، ج ۱۰، ص ۲۲۳؛ شذرات الذهب، ج ۲، ص ۳۴۸.

۸. رک: تاریخ الطبری، ج ۸، ص ۵۱۲؛ شذرات الذهب، ج ۲، ص ۱۴۰.

۹. معجم البلدان، ج ۲، ص ۴۴۸.

۳-۵. سلیمان بن جعفر (مطلق)

از مباحث طرح شده دانسته شد که در منابع روایی پنج راوی با عنوان مشترک سلیمان بن جعفر وجود دارد که شامل: الجعفری، البصری، الهاشمی، ابن ابی جعفر منصور، المروزی است. با این وجود، اگر سلیمان بن جعفر به صورت مطلق در اسناد موجود باشد، مشعر به کدام یک از این اشخاص است؟ از بین احتمالات فوق، احتمال چهارم و پنجم مردود است؛ زیرا ابن ابی جعفر المنصور، فردی درباری و عامی بوده و غیر از روایت تدفین امام کاظم علیه السلام، در روایت دیگری نام وی در مصادر شیعه ذکر نگردید. در المروزی نیز عنوان، مصحّف از سلیمان بن حفص است، پس نمی توان سلیمان بن جعفر مطلق را بر المروزی حمل کرد. احتمال سوم نیز ضعیف است زیرا بر اساس منابع تاریخی به احتمال زیاد الهاشمی فردی درباری و از خاندان عباسی بوده است. از طرفی چون تنها یک روایت از سلیمان بن جعفر الهاشمی در منابع شیعی ثبت شده است، احتمال این که عنوان مطلق سلیمان بن جعفر بر الهاشمی اطلاق شده باشد، بعید است.

بنابراین هر جا سلیمان بن جعفر یاد شد، یا مشعر بر الجعفری است یا البصری و با توجه به راوی و مروی عنه آن، باید راوی تمییز داده شود. از دلایل وجه تمایز آن ها، نقل البصری از امام صادق علیه السلام است، در حالی که الجعفری هیچ نقل مستقیمی از این امام همام ندارد و تصریح صدوق بر عدم اتحاد این دو راوی است. روایتی در کتاب الفقیه نقل گردیده که در آن صدوق بعد از عنوان سلیمان بن جعفر قید «لیس بالجعفری» را آورده است^۱ همین مطلب شاهدی است بر این که سلیمان بن جعفر، در اکثر موارد، منصرف بر الجعفری است، مگر مواردی که بر نام البصری یا نفی الجعفری بر آن تصریح شده باشد.

خویی نیز به طور اجمال بر این نظر است که سلیمان بن جعفر مطلق، بین الجعفری و لیس بالجعفری مشترک است.^۲ اگرچه خویی در تبیین غیر جعفری سکوت می کند، اما با توجه به بررسی های سندی و شباهت اسناد سلیمان بن جعفر البصری با سلیمان بن جعفر لیس بالجعفری، «غیر جعفری» کسی غیر از البصری، نمی تواند باشد.

نتیجه

وقوع تصحیف در عنوان سلیمان بن جعفر الجعفری سبب شده است جعفری به القاب

۱. ج ۴، ص ۱۸۷.

۲. معجم رجال الحدیث، ج ۹، ص ۲۴۶-۲۵۱.

الجعفی، الجوهری و الحمیری تبدیل شود. بنابراین، همه این عناوین با الجعفری مذکور در کتب رجالی متحدند و توثیق آن‌ها اثبات می‌گردد. همچنین القاب النهدی، الهذلی و همدانی نیز مصحّف از سلیمان بن جعفر البصری است.

عنوان سلیمان بن جعفر الهاشمی نیز، به احتمال زیاد، بربیک فرد درباری و عامی منطبق است که تنها یک روایت از او در منابع شیعی ثبت شده است؛ اما هرگاه در روایات، الجعفری مطلق از ابی الحسن علی بن موسی علیه السلام روایت کند، قراین دال بر انصراف الجعفری بر سلیمان بن جعفر الجعفری است و نقل الجعفری از ابی عبدالله علیه السلام می‌رساند که منظور سلیمان الجعفری نیست. سلیمان الجعفری نیز همان سلیمان بن جعفر الجعفری است؛ زیرا الجعفری دیگری در اسناد نیست که نامش سلیمان باشد.

عنوان سلیمان بن جعفر با توحید مختلفات، در نهایت، به پنج عنوان مشترک سلیمان بن جعفر الجعفری، سلیمان بن جعفر البصری، سلیمان بن جعفر الهاشمی، سلیمان بن جعفر بن ابی منصور، سلیمان بن جعفر المروزی محدود شد. دو عنوان متأخر نیز به دلیل عدم روایت‌گری و تصحیف از عناوین مشترک حذف گردیدند. الهاشمی نیز به دلیل موقعیت سیاسی و کمی نقل، از عناوین مشترک حذف گردید. از این رو، هرگاه سلیمان بن جعفر مطلق در اسناد ذکر گردد، یا مُشعر بر سلیمان بن جعفر الجعفری است یا بر البصری که اولی موثق و دومی مجهول است. با توجه به راوی و مروی عنه آن‌ها، اولی از راویان امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام است و البصری در طبقه امام صادق علیه السلام قرار دارد. از این رو، در بسیاری از روایات تمییز آن‌ها ممکن است. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد کثرت روایات سلیمان بن جعفر الجعفری، نسبت به البصری، قرینه‌ای است بر این که عنوان سلیمان بن جعفر مطلق در بیشتر اسناد منصرف بر الجعفری است؛ مگر زمانی که قرینه‌ای عکس آن وجود داشته باشد.

کتاب‌نامه

- اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، محمد بن حسن حر عاملی، بیروت: الاعلمی، ۱۴۲۵ق.
- الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۹۰ق.

- الاعلام، خير الدين زركلى، بيروت: دار العلم للملايين، ١٩٨٠م.
- اعلام الورى باعلام الهدى، فضل بن حسن طبرسى، تهران: اسلاميه، ١٣٩٠ق.
- إقبال الاعمال، على بن موسى بن جعفر بن طاووس، تحقيق: جواد القيومى الاصفهانى، قم: مكتب الاعلام الاسلامى، ١٤١٥ق.
- إكليل المنهج فى تحقيق المطلب، محمد جعفر بن محمد كرباسى، تحقيق: السيد جعفر الحسينى الاشكور، قم: دار الحديث، ١٤٢٥ق.
- الامالى، محمد بن على بن بابويه، تهران: كتابچى، ١٣٧٦ش.
- الامالى، محمد بن محمد مفيد، تحقيق: حسين استاد ولى و على اكبر غفارى، قم: كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ق.
- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٤٠٣ق.
- البداية و النهاية، اسماعيل بن عمر بن كثير دمشقى، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٧ق.
- بررسى اعتبار احاديث مرسل، محمد حسن ربانى، قم: مؤسسه بوستان كتاب، ١٣٨٩ش.
- البرهان فى تفسير القرآن، سيد هاشم بن سليمان بحراني، قم: مؤسسه بعثت، ١٣٧٤ش.
- بصائر الدرجات فى فضائل آل محمد عليهم السلام، محمد بن حسن صفار، تحقيق: محمد كوچه باغى، قم: مكتبه آيت الله مرعشى نجفى، ١٤٠٤ق.
- تاريخ بغداد، خطيب بغدادى، بيروت: دارالعلمية، ١٤١٧ق.
- تاريخ خليفة بن خياط، خليفة بن خياط العصفرى، تحقيق: سهيل زكار، بيروت: دار الفكر، ١٤١٤ق.
- تاريخ طبرى (تاريخ الامم و الملوك)، محمد بن جرير طبرى، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت: دار التراث، ١٣٨٧ق.
- تعاليق مبسوطه، محمد اسحاق فياض، قم: انتشارات محلاتى، بى تا.
- تعليقه منهج المقال، وحيد بهبهانى، بى جا: بى نا، ١٢٠٥ق.
- تفسير العياشى، محمد بن مسعود عياشى، تحقيق هاشم رسولى محلاتى، تهران: المطبعة العلميه، ١٣٨٠ق.
- تفسير كنزالدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمد رضا قمى مشهدى، تحقيق: حسين درگاهى، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٣٦٨ش.

- تفسیر نورالثقلین، عبد علی بن جمعه حویزی، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حرعاملی، قم: مؤسسه آل البيت (علیه السلام)، ۱۴۰۹ق.
- تقریب التهذیب، احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
- التوحید، محمد بن علی بن بابویه، تحقیق: هاشم حسینی، قم: النشر الاسلامی، ۱۳۹۸ق.
- توضیح المقال فی علم الرجال، ملاعلی کنی، تحقیق: محمد حسین مولوی، قم: دارالحديث، ۱۳۷۹ش.
- تهذیب التهذیب، احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۴ق.
- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
- تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، یوسف المزی، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۶ق.
- الثقات، محمد ابن حبان، تحقیق: محمد عبد المعید خان، هند: مؤسسه الکتب الثقافیة، ۱۳۹۳ق.
- ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، محمد بن علی بن بابویه، قم: دارالشریف الرضی، ۱۴۰۶ق.
- الخصال، محمد بن علی بن بابویه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: النشر الاسلامی، ۱۳۶۲ش.
- رجال البرقی، احمد بن محمد بن خالد برقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
- رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، نجف: انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ق.
- رجال الکشی، محمد بن عمر بن عبد العزیز کشی، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
- رجال النجاشی (فهرست أسماء مصنفی الشیعة)، احمد بن علی نجاشی، تحقیق: موسی شبیری زنجانی، قم: النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ق.

- الجرح و التعديل، محمد بن ادريس رازى، بيروت: دار احياء التراث العربى، ١٣٧١ق.
- الرسائل الرجالية، محمد بن محمد بن ابراهيم كلباسى، تحقيق: محمد حسين درائتى، قم: دارالحدیث، ١٤٢٢ق.
- شذرات الذهب من اخبار الذهب، عبدالحى بن احمد بن عماد حنبلى، تحقيق: الارناؤوط، بيروت: دار ابن كثير، ١٤٠٦ق.
- طب الاثمه عليه السلام، عبدالله و حسين بن بسطام، تحقيق: محمد مهدى خراسان، قم: دارالشریف الرضى، ١٤١١ق.
- طرائف المقال، سيد على بروجردى، تحقيق: سيد مهدى رجائى، قم: آيت الله مرعشى نجفى، ١٤١٠ق.
- علل الشرائع، محمد بن على بن بابويه، قم: كتابفروشى داورى، ١٣٨٥ش.
- عوالى اللثالى العزیزية فى احاديث الدينية، ابن ابى جمهور احسايى، تحقيق: مجتبى عراقى، قم: سيد الشهداء، ١٤٠٣ق.
- عيون أخبار الرضا عليه السلام، محمد بن على بن بابويه، تحقيق: مهدى لاجوردى، تهران: نشر جهان، ١٣٧٨ق.
- فوات الوفيات، الكتبى، تحقيق: على محمد بن يعوض الله، عادل احمد عبد الموجود، بيروت: دارالكتب العلمية، ٢٠٠٠م.
- فهرست كتب الشيعة و اصولهم، محمد بن حسن طوسى، نجف: المكتبة المرتضوية، بى تا.
- قاموس الرجال، محمد تقى شوشترى، قم: النشر الاسلامى، ١٤١٠ق.
- الكافى، محمد بن يعقوب كلينى، تحقيق: على اكبر غفارى و محمد آخوندى، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٧ق.
- الكامل فى التاريخ، على بن ابى الكرم ابن اثير، بيروت: دارصادر، ١٣٨٥ق.
- كتاب من لا يحضره الفقيه، محمد بن على بن بابويه، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: النشر الاسلامى، ١٤١٣ق.
- كشف الغمه فى معرفة الاثمه، على بن عيسى اربلى، تحقيق: هاشم رسولى محلاتى، تبريز: بنى هاشمى، ١٣٨١ق.
- كمال الدين و تمام النعمه، محمد بن على بن بابويه، تحقيق: على اكبر غفارى، تهران: اسلاميه، ١٣٩٥ق.

- كنز الفوائد، محمد بن على كراچكى، تحقيق عبدالله نعمة، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ق.
- لسان الميزان، احمد بن على ابن حجر عسقلانى، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقى، تحقيق: جلال الدين محدث، قم: دارالكتب الاسلاميه، ۱۳۷۱ق.
- مختصر البصائر، حسن بن سليمان حلى، تحقيق: مظفر مشتاق، قم: مؤسسه النشر الاسلاميه، ۱۴۲۱ق.
- مرآة العقول، محمد باقر مجلسى، تحقيق: هاشم رسولى محلاتى، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ۱۴۰۴ق.
- مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسين بن محمد تقى نورى، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۸ق.
- مستدرکات علم رجال الحديث، على نمازى شاهرودى، تهران: حيدرى، ۱۴۱۴ق.
- معانى الأخبار، محمد بن على بن بابويه، تحقيق: على اكبر غفارى، قم: النشر الاسلامى، ۱۴۰۳ق.
- معجم البلدان، ياقوت بن عبدالله حموى، بيروت: دار صادر، ۱۹۹۵م.
- معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خويى، بى جا: مركز نشر الثقافة الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
- المعرفة و التاريخ، يعقوب بن سفيان البسوى، تحقيق: اكرم ضياء العمرى، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۰ق.
- مناقب آل ابى طالب عليه السلام، محمد بن على ابن شهر آشوب، نجف: مكتبة الحيدريه، ۱۳۷۶ق.
- منهج الدعوات و منهج العبادات، على بن موسى بن طاووس، تصحيح: ابوطالب كرماني و محمد حسن محرر، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
- ميزان الاعتدال فى نقد الرجال، محمد بن احمد ذهبى، تحقيق: على محمد البجاوى، بيروت: دار المعرفة، بى تا.
- النصوص المختارة، محمد بن محمد مفيد، تحقيق: سيد على ميرشريفى، قم: دارالمفيد، ۱۴۱۴ق.
- وفيات الاعيان و انباء و ابناء الزمان، ابن خلكان، تحقيق: احسان عباس، لبنان: دار الثقافة، بى تا.